

رئیس‌جمهور در جمع روسای دانشگاه‌های کشور:

دانشگاه؛ بهترین جایگاه گفت‌وگو

● مهم‌ترین راهکار، تبیین و رفع گره‌های ذهنی دانشجویان و اساتید است

سیدرضا کرمی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

زمینه را برای گفت و گوی ملی فراهم کنیم

بین نسل جدید و نسل های گذشته
تفاوت های جدی مشاهده نمی کنم

محسن کوهکن در گفت و گوبا «آرمان ملی»:

گفت و گو با مردم موجب اقتناع آنها می شود

هر کسی که شعار می دهد
دشمن مردم و نظام نیست

که شعار می دهد
دم و نظام نیست

صفحات ۷۶ و ۷۷

سخن روز

ما گل چه کسی را لگد می کنیم

مهران کرمی
روزنامه‌نگار

برخی مشاغل در گذشته به فراخور نوع و زندگی مردم
میتبیه به سزا داشتند. گل لگد کردن زمانی که خاک یکی
عمده ترین مصالح ساختمانی بود یکی از این مشاغل بود
ی امروزه از آن شاید جز در کوره های آجر پزی خبری
ست. گل لگد کردن امروز استعاره ای از انجام کار بیهوده
حرف مفت زدن است...

انسانی کمیٹی

یادداشت

ما گل چه کسی را لگد می‌کنیم | برج‌ها، بازار سرمایه، اقتصاد دستوری

هادی حق شناس
کارشناس اقتصاد

اصلی ترین نکته‌ای که در بازار سرمایه باید مورد توجه قرار گیرد، بحث فضای کسب و کار اقتصاد است. شاید بهتر باشد بررسی کنیم که ما چه تاریخی گرفتار کودکان بازار سرمایه شدیم. بازار سرمایه در مقطعی رشد صعودی داشت و بعد شروع به کاهش کرد. نوسانات بازار سرمایه همزمان شد با اخبار ...

1. **Introduction**

ما گل چہ کسی را لگد می کنیم

ادامه سخن روز/ اگر امروز بخواهیم برای گل لگد کردن مصداقی به بیامیه شاید روزنامه نگاری در مطبوعات ایران یکی از آن‌ها باشد. کاری که در میان کشاکش قدرت سیاسی همواره از سوی صاحبان قدرت و حتی مستندان آن ناپایده گرفته می‌شود ولی تا کنون در همین حد بود و خبرنگار به‌خاطر وظیفه حرفه‌ای‌اش آشوبگر و کارگزار بیگانه و دشمن خوانده نمی‌شد و در حد همان گل لگد کردن می‌ماند. خبرنگار روزنامه‌نگار و طوفان‌فروش در میانه میدان (جنگی باشد یا رقابت سیاسی یا پوشش یک واقعه غیر سیاسی) آگاهی‌بخش و اطلاع‌رسانی است. خبرنگار و مکاس خبری وظیفه دارد از وقایع و تحولات مستندنگاری کند. این مستندنگاری بعدا دستمایه تاریخ نگاری می‌شود. اهمیت خبرنگاری را می‌توان با نقش امدادگران در میدان‌های نبرد مقایسه کرد. از این رو جایگاه خبرنگار و بی‌طرفی‌اش باید از دو سوی میدان به رسمیت شناخته شود و البته روزنامه‌نگار هم باید در موقعیتی قرار بگیرد که بتواند با انشرف و عنصر مشاهده و بی‌طرفی حرفه‌ای رواجت‌یابی نمی‌خواهم ادعا کنم که روزنامه‌نگاران در ایران در حوزه خود، کارشان را با بی‌تقصی انجام می‌دهند. متأسفانه نقش خبرنگاران در ایران، رواجت‌یابی به بعضی جریان‌های قدرت و تبلیغات‌نشی طرف‌های منازعه فروخته شده است. از این‌سوی‌ها هم مردم، خبرنگار و رسانه آن‌ها را قلم به حاکمیت فرض می‌کنند. اما از طرف دیگر در این چند دهه هیچ‌گاه از طرف صاحبان قدرت نیز به روزنامه‌نگار اعتماد نشده و آن‌ها را قلم به مزد و دست بردار دشمنان دانسته‌اند. به همین سبب همواره روزنامه‌ها و مطبوعات از بی‌پهری و نامهربانی مواجه شده‌اند که در هر حوزه‌ای وارد می‌شوند آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

کاری که خبرنگاری می‌کند ممکن است رضایت صاحبان قدرت را برآورده نکند چون روزنامه‌نگار در پی کشف حقیقت است ولی اگر حقیقت روزنامه‌نگار در پی کشف حقیقت باشد، صاحبان قدرت بیش‌ترین بهره را از آن‌ها می‌برند. روزنامه‌های غرب با قدرت رسانه‌ها جهان را اداره می‌کنند بخاطر اهمیت و نقشی است که رسانه در تعدیل ساخت قدرت در آن کشورها دارد و به همین دلیل در بلاد غرب در کنار سه قوه حاکمیتی، رکن چهارم شمرده می‌شود. نیازی نیست که رسانه را در کشورهای دوردست مثال بزنیم. موقعیت جزیرای و قطرهای کشوری چون قطر به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای آن که توانست سیاست تندروانه دولتی چون عربستان را بشکند، بیش از آن که به نفت آن، وابسته باشد به قدرت، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی است.

در مجرای از دست رفتن مهسا امینی که بیش از چهار روز است گوشه و کنار کشور را دستخوش ناآرامی و خشموت کرده است، اگر جریان رسانه‌ای قدرتمندی آزادانه در داخل فعالیت می‌کرد، شاهد این همه رویدادهای ناخوشایند نبودیم. رسانه‌ها نباید لزوماً از راه این مقامات می‌خوانند به خود شوکت بدهند. مردم اگر سخن راست را به رسانه داخل کشور بشنوند و بخوانند، سراغ رسانه‌های خارج از کشور نمی‌روند. چون رسانه داخلی بی‌واسطه می‌تواند به اخبار دسترسی داشته باشد. چهل روز است خبرنگاران و حتی مدیران رسانه‌ها دنبال وی‌پیان و فیلترشکن برای رصد تحولات و اخبار دولت اول هستند و حتی اگر خبرنگاری به خود زحمت بداند تا بی‌واسطه به خبری دست یابد به همدستی با آشوبگران متهم می‌شود. نمونه‌اش دو خبرنگار روزنامه‌های شرق و هم‌میهن است که یکی به اتهام انتشار نخستین عکس از مهسا و دیگری به دلیل رفتن به خانه متوفی برای تهیه گزارش در بازداشت به سر می‌برند و ادعا شده‌است که در آشوب و اغتشاش نقش مجوری داشته‌اند.

مخلص کلام ما به همان مشاغل در حال انقراض و گل لگد کردن قانعیم. فقط لطفاً به ما نسبت آشوبگر و جاسوس و برهم زننده امنیت ندهید. ما اگر گلی لگد می‌کنیم جز برای ساختن خانه میهن نیست.

برگزاری جام جهانی فوتبال بر ارتقای جایگاه‌های ورزشی، رتبه بالاتر در قیفا، اعضای قرارداد با ورزشکاران خارجی به جرسته، اعطای شهروندی، تبدیل شدن به قلب اصلی تولید و پخش تلویزیونی و... تمرکز کند. علاوه بر این سرمایه‌گذاری‌های گسترده مرتبط با جام جهانی سبب کسب اعتبار نامی و منبعی از مشروعیت سیاسی و اعتبار در نظام بین‌الملل است. برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ اولین رویداد جهانی و بسیار بزرگ خواهد بود که تا کنون در جهان عرب و خاورمیانه میزبانی شده است. با این حال در یک دهه گذشته بسیاری از رسانه‌ها، مقامات و سازمان‌های غیردولتی بر عدم مشروعیت قطر «کوکچ» در میزبانی جام جهانی فوتبال تکیه کرده‌اند. منتقدان بر نشوه و اهدای مشکوک جام جهانی ۲۰۲۲؛ سیاست‌های نامناسب داخلی، نقض حقوق بشر، نحوه برخورد با کارگران مهاجر و استعمار و سرک (بیش از ۵۶ کارگر مهاجر، به خطر انداختن سلامت ورزشکاران و... اشاره می‌کنند. از این دیدن اصلاحات دولتی گذشته و اخیر دولت کافکی است و قطر ممکن است با ناتوانی نرم (از دست دادن نفوذ، جذابیت، اعتبار، به عبارتی قدرت نرم) مواجه شود. در همین راستا منتقدان از اصطلاحات چون «شست‌وشی ورزشی» استفاده از فوتبال برای پاکسازی وجهه عمومی و منحرف کردن توجه از سیاست داخلی ارتباط با گروه‌های افراطی و حتی مقایسه آن با عملکرد چین در حوزه اقتصاد و نفوذ در ورزش‌های جهانی را زیر سوال می‌برند. آنچه مشخص است قطر می‌تواند از جام جهانی فوتبال برای توسعه قدرت نرم خود استفاده کند. برغم انتقادهای دولت همچنان با اصلاحات و دیپلماسی ورزشی مناسب به دنبال تسویری بهبود یافته از خود است.

سال ۹۷ کشور در مسیر درستی بود. امروز طوری بر خورد می کنند انگار اجلاس شائگهای را آقای ریسمی کشف کرده. این ها تحریف تاریخ است. تحت قانون جمهوری اسلامی شبکه های خصوصی داشته باشیم به چهار منطقه بلوچستان، خوزستان، آذربایجان و کردستان رسیدگی ویژه کنید؛ نه اینکه به آقای مولوی عبدالحمید بسپارید. جمهوری اسلامی به سند قانون اساسی دارد؛ هر کدام از این قوانین اساسی گویای نظرات آن نسل بودند. قوچانی همچنین در مناظره تلویزیونی با قاسم روانبخش گفت: در محکومیت حادثه شاهچراغ خانم هایی بودند که حجابشان از مهسا امینی هم بدتر بود ولی همان ها حادثه شاهچراغ را محکوم کردند. وی افزود: آن شی که که هجده روزنامه بسته شد باید پیش بینی می کرد که چه شبکه هایی مثل ایران اینترنشنال بتوانند مانور بدهند.

جام جهانی فوتبال و فرصت‌ها

این حال با ساخت و تامین زیرساخت‌هایی برای میزبانی نزدیک به ۰۵، رویداد ورزشی بین‌المللی از سال ۵۰۰۲ هم مسابقات جهانی باسگاه‌های جهان در سال ۹۱۰۲، سرمایه‌گذاری ورزشی، آمین‌الهی تیم‌های ورزشی بزرگ، تلاش می‌کند تا در رقابت با بازیگرانی چون امارات و عربستان در آینده منطقه سهم مناسب‌تری در کسب قدرت نرم داشته باشد. در واقع قطر خواهان جایگاه مناسب در بازار جهانی ورزش، و رویدادهای ورزشی بین‌المللی، پیشگامی در عملکرد و ارتقای رتبه خود در سطح جهانی برای تقویت قدرت نرم خود است. در بعد دیگری تقویت گردشگری بخشی از تقویت قدرت نرم هر کشور است. اما قطر در مقابل امارات و عربستان عقب مانده است. با این حال برگزاری جام جهانی می‌تواند سبب جذب گردشگران خارجی پس از پایان مسابقات و حتی تبدیل گردشگران موقت به گردشگران دائمی شود. جام جهانی فوتبال قطر نیز با ارتباط کشورها با میزبان جام جهانی، نمایش تحسین و رهبری جهانیان، قرار گرفتن دولت در ذهن مخاطبان بین‌المللی، فرصتی برای برندسازی بوده است. اکنون نیز به نظر می‌رسد دولت قطر تلاش می‌کند با گذر از مسائل و مشکلات مربوط به ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از قدرت نرم جام جهانی فوتبال، برای تغییر مثبت وجهه خود و برندسازی قطر در جهان، سود ببرد. در بعد دیگری دو دهه تلاش کرده‌است با اصلاحات متعددی از سال ۱۰۲۰۸، اقداماتی چون پرداخت رشوه دولت قطر به فیفا به سلامت عبور کند و با باز کردن درهای ورزش برای زنان، بر جست‌تر کردن نقش زنان در جام جهانی قطر بر پایبندی قطر به ارزش‌های جهانی چون دموکراسی و حقوق بشر، تکیه کند. در کنار این نیز قطر تلاش کرده تا با توجه به فرصت

در مناظره محمد قوچانی و قاسم روانبخش مطرح شد

پیشنهاد قوچانی برای اصلاح وضع موجود

فرزاد رمضانی بونش
پژوهشگر ارشد
و تحلیلگر مسائل منطقه

قسط یکی از کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس است با جمعیت کم که بخش اعظم جمعیت را اتباع خارجی تشکیل می دهند. هر چند بازی های آسیایی ۲۰۰۲ مومعه و بعدا میزبانی از دهها ویداد مهم گام های مهمی در استراتژی قطر برای میزبانی رویدادهای ورزشی بزرگ بودند، اما کمتر کسی گمان می کرد دوحه بتواند به تنهایی قطر را به یک مرکز جهانی فوتبال ۲۰۲۰ تبدیل کند. قطر دارای نقاط قوت های چون وجود منابع عظیم هیدروکربنی، شاخص توسعه انسانی بالا، درآمد بالا از فروش گاز، درآمد سرانه بالا، قدرت سرمایه گذاری، تنوع در شرکای خارجی، قدرت رسانه ها، خطوط هوایی ملی مدرن و... است. اما قطر تلاش کرده است تا بر نقاط ضعف خود جمعیت کم، وسعت کم، وجود جمعیت قابل توجه کارگران مهاجر، وضعیت آب و هوایی نامناسب برای کشاورزی، قدرت نظامی ضعیف، وابستگی به فروش گاز (اقتصاد تک محصولی)، نبود موزکراسی و محدودیت آزاد تبلیه کند. در بین این دید دوحه مسلما جام جهانی فوتبال به عنوان یکی از رویدادهای مهم جهانی می تواند بر قدرت نرم این کشور بیافزاید. در واقع قدرت نرمی از حوزه قدرت نرم با بازی این جام جهانی فوتبال تقویت می تواند از برای این کشور در حوزه قدرت سخت را پوشش دهد. در بعد دیگری دولت قطر از قبل با ارائه طرح چشم انداز ملی ۲۰۳۰ تلاش کرده است موفقیت های چشمگیری از جمله ساخت مترو و فرودگاه های ملی، پروژه های ساخت و ساز پیش از ۲۰۳۰ میلیارد دلاری را برنامه ریزی کند. در

در

شامگاه شنبه ۱۷ آبان بود که برنامه گفت و گو
محور شیوه در شبکه ۴ سیما که پندی است پس
از اتفاقات و اعتراضات اخیر در جامعه هر شب با دو
هممان از جریانات مختلف با موضوعات متفاوت اجرا
شده بود. این آتن رفت و این بار محمد قوچانی،
چهره سیاسی اصلاح طلب و مدیر مسئول مجله
آگاهی نو و همچنین حجت الاسلام قاسم روانبخش،
عضو ارشد جبهه پایداری به مناظره پرداختند که در
خشنی از این برنامه قاسم روانبخش گفت: کسانی
مثل آقای منتظری و آقای هاشمی رفسنجانی در
زمان انقلاب از گروه‌هایی مثل سازمان مجاهدین
خلق که مشی آنها مسلحانه بود حمایت می کردند
و این جریانات به جای اینکه با آنها راز و بکیرند به
گروه‌های دیگر با این گروه‌ها برخورد کردند. ولی افرو
حتی به ایشان گفتند بگذار شاه را بکشیم ولی امام
گفتند کشتن شاه جایز نیست. ما باید مردم را بیدار

هزینه ساختارهای ناساختار

سید حسن موسوی چلک

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

آقای قالیباف دیروز طی سخنانی بر بازنگری روی برخی از ساختارها صحه گذاشت که نکته کاملاً درستی است. اینکه ساختارها همیشه ممکن است آن قدری خودشان را نداشته باشند. اما آنچه مهم است این است که ما نخست، باور کنیم بازنگری ضروری است و بعد به نظر این باور از هر چیزی مهم تر است. دوم اینکه جرات و شجاعت بازنگری در ساختارهاست که باید داشته باشیم. بین بازنگری ساختار، مستلزم آسیب شناسی کارشناسی متصفانه غیر سیاسی غیر جانبدارانه از آن چیزی است که در این چند سال اتفاق می افتد. بر غیر سیاسی و کارشناسانه متصفانه و مبتنی بر شواهد تأکید می کنم و تکالیف و نظرات قانونی که قبل برای هر ساختاری پیش بینی شده است. پس ما بعد از این آسیب شناسی می توانیم به سمت بازنگری ساختار حرکت کنیم. برای بازنگری ساختار گاهی مواقع نیاز است که قانون بازنگری شود. گاهی مواقع نیاز است که جمعیت ساختارها را داشته باشیم و به یک سا گاهی مواقع نیاز باشد که توسعه ساختاری را هم داشته باشیم. چون بازنگری الزاماً به معنی تعدیل و حذف نیست. یکجا هم ممکن است برخی از برنامه را حذف و بازنگری کنیم و یکجا ممکن است حذف برخی از ساختارهای ناکارآمد در دستور کار باشد. شوراها ی عالی و ملی تا تلنات نخواهد داریم؛ شوراها یی که گاهی موقع چند سال یکبار هم تشکیل جلسه نمی دهند. شوراها ی موازی که هیچ هدف چند مثالی می زنم؛ در حقیقت علوم داریم که معاونت علمی - فناوری هم در دست کردیم و وزارت ارتباطات علوم داریم که معاونت علمی موازی است. هر انتظاری از معاون علمی - فناوری داریم در درون وزارت علوم خواهیم آید. آید نشنی نیست؟ ما یک وزیر اقتصاد داریم و هر رئیس جمهور سر کار می آید، دستور اقتصادی، معاون اقتصادی و دیگر کمیته اقتصادی می دهد. نکته این است که وقتی چند جا در هر یک می کنده می کنید، نوان سازماندهی و مدیریت و برنامه ریزی از بین می رود. ضمن اینکه تعدد ساختارهای موازی و دادن وظایف پاسخگویی و شفافیت را کم می کند. از آن طرف مدبرانی بهینه منابع به نیروی انسانی و به منابع فیزیکی از آنجا می آید امکان پذیر نخواهد بود. یعنی ما پرت منابع را با داشتن ساختارهای موازی خواهیم داشت. بحث بعدی حذف بعضی از ساختارها یا ستادهای شوراهایی است که در یک مقطعی با یک هدفی یا انتظاراتی تشکیل شدند اما امروز وقتی عملکردشان را بررسی می کنیم، اثربخشی لازم ندارند. مثالی ساده می زنم: امروز بودن نهضت ستادهای آموزشی ضرورت دارد؟ چرا هنوز بعد از این همه سال بیسواد داریم؟ ما ستادهایی که ساختار قانونی موازی ساختارهای ما دارند کار نمی کنند. اتفاقاً بازنگری ساختار یک ضرورت برای مدیریت بهینه منابع و افزایش رضایتمندی مردم است. منتها شرطش این است که ساختار را بر مبنای کارآمدی، ضرورت و نیاز رصد و تعریف کنیم. مثلاً در حوزه اجتماعی امداد، بهیشتی و بنیاد مستضعفان را در این حوزه داریم که دارند کار نمی کنند. آستان قدس، بنیاد برکت و خیریه ها هم دارند کار نمی کنند. اما اگر همه اینها را جمع کنیم، مدیریت بهینه منابع را برای بازنگری ساختار انجام داد. امری که شجاعت و شهامت می خواهد. از بازنگری ساختار ترسیم. ساختار ناکارآمد و غیر ضرور را باید حذف کرد. از این رو به نظر می رسد حذف ساختار اجتماعی ایران نیاز به یک بازنگری جدی دارد. بازنگری می شود. طبیعتاً هر دوری افزایش پیدا می کند و نیاز به هر دوری یکی از مهم ترین اهداف و نشانه گذاری است که می شود بین هزینه ساختارهای ناساختار را نپزداییم.